

۱- راهنمای مبارزه با تورم و اثرات آن بر مصرف

مقدمه : تورم ما نتیجه سیاری از پدیده های اقتصادی دیگرتابع یک یا چند عامل خاص نیست ، بلکه علل گونا گون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می توانند در آن دخالت داشته باشد . این مسئله اگرچه در بسیاری از کشورها باشد و ضعف وجود داشته و دارد، اما در بعضی کشورها مانند ایران ساقط طولانی دارد و مبارزه با آن همیشه بادشواری های اساسی روبرو بوده است و در این مورد موقوفیت چندانی نصیب نشده است . شایدیکی از علت های اساسی دشواری مبارزه با این پدیده وجود مشکلات وضعه های ساختاری اقتصادی وغیرا اقتصادی است . برای مثال، وابستگی شدید اقتصادی بخارج، بخصوص کشورهای استعمالگر، در موقع بحرانی اثرا نا مطلوب خود را در افزایش قیمت ها نشان میدهد و یا در رابطه با تورم رکودی، کمبود متخصص که ناشی از ضعف سیستم آموزش است یک مانع اساسی برای افزایش تولید کشورهای جهان سوم است و نارسا یی سیستم توزیع نیز یک مشکل عمدی در این راستاست .

نکته دیگر در مورد تورم این است که اقتصاددانان برای مبارزه با این مشکل نظرات گونا گون ارائه می دهند . مثلاً "کلاسیک ها" می گویند افزایش قیمتها بدون دخالت دولت اتو ماتیک وارعکس العمل تعادلی ایجاد می کند، زیرا تولید کنندگان عرضه را زیاد و تقاضا - کنندگان تقاضا را کم می کنند بطوری که دوباره تعادل برقرار می شود .

اما واقعیت این است که، این مکان نیسم اولاً" درکشورهای جهان سوم که در افزایش تولید معمولاً" با مشکلات اساسی روبرو هستند چنان که رسانی نیست و ثانیاً "لاقل در کوتاه مدت قادربه برقراری تعادل نخواهد بود و یک دلیل عمدۀ این است که تقاضای بعضی کالاها با افزایش قیمت چندان کا هش نمی یا بدمند: گوشت - روغن - نان و ... بجز این دلایل تجربیات تاریخی نشان داده است که دخالت دولت در موقع ضروری و اجرای سیاست‌های مناسب برای کا هش تورم و برقراری تعادل اجتناب نمی‌ذیراست.

در این مقاله سعی شده است راههای اساسی جلوگیری از افزایش قیمت‌ها بطورا جمالی بررسی شود، البته از آنجا که بحث در مورد مسائل ساختاری اصولاً" به مقوله توسعه مربوط می‌شود، لذا در این رابطه چندان بحث نشده است.

* * *

- اقتضا ددان برای مبارزه با تورم سیاست‌های مختلفی را پیشنهاد می‌کنند. این سیاست‌ها عبارتند از:
- ۱- افزایش عرضه
 - ۲- استفاده از سیاست‌های پولی و مالی
 - ۳- سیاست کا هش انتظارات تورمی
 - ۴- سیاست کنترل قیمت توسط دولت
 - ۵- جیره بندی و کوپنی کردن کالاها

البته گاهی تلفیقی از این سیاست‌ها اعمال می‌شود، چنان‌که در ایران جندهای اخیراً ین گونه عمل شده است و نیز باید استفاده از شیوه تبلیغات و متول شدن به احساسات ملی و انگیزه‌های

عقیدتی - سیاسی مردم، بخصوص در شرایط بحرانی، همانند جنگ را مدد نظر داشت، این شیوه در کوتاه مدت می‌تواند موثر باشد. حال با توجه به موارد ذکر شده به بررسی اجمالی هریک از راههای فیلتری پرداخته می‌شود.

۱- افزایش عرضه :

دولت‌ها ممکن است در موقع تورم با افزایش عرضه از طریق واردات سعی در مهار تورم کنند. اعمال این سیاست جز در موارد خاصی "معمول" بجزیان اقتصاد است زیرا باعث خروج ارز و نیزواستگی بیشتر می‌شود و به تولیدات داخلی هم لطمہ می‌زند. مضافاً "اینکه گاهی واردات هم نمی‌تواند تورم را مهار کند. مثلًا" در سال‌های دهه ۱۳۵۰ با وجود افزایش شدید واردات به دلیل سرعت زیاد افزایش تقاضا که بدنبال سیاست مصرفی کردن جامعه ایجاد شده بود و نیز بواسطه مشکلاتی نظری محدودیت ظرفیت بنادر که هزینه‌گالهای وارداتی را افزایش میداد تورم نه تنها کاهش پیدا نکرد، بلکه شدت بیشتری هم یافت و در این رابطه بسیاری از اقتصاددانان ایران تورم کنونی را ادامه تورم دهه ۵۰ بخصوص از سال ۵۳ به بعد می‌دانند که البته بواسطه جنگ تحمیلی و توطئه‌های دیگر، نظری محابرها اقتصادی شدت بیشتری یافت است. بهر حال در رابطه با افزایش عرضه، بهترین راه افزایش تولیدات داخلی است که می‌توان گفت بطور کلی در مبارزه با تورم این سیاست، در صورت امکان اجراء، موثرترین است.

گاهی افزایش تولید از طریق افزایش بهره‌وری عوامل تولید صورت می‌گیرد. افزایش ظرفیت‌های تولیدی کارخانه‌ها و نزدیک کردن

آنها بـه ظرفیت اسمی اغلب باعث کاهش هزینه تولید میشود کـه در کاهش سطح قیمتها موثر است. در سالهای اخیر در ایران بسیاری کارخانه‌های کشور به دلیل بعضی مشکلات، بسیار پائین تراز ظرفیت اسمی خودفعالیت داشته‌اند، کـه این خودیکـی از دلایل تورم از جانب فشاره زینه است.

لازم به توضیح است کـه افزایش عرضه اگرچه خودمی تواند نتیجه سایر سیاست‌ها باشد، اما گاهی صرفاً "از طریق افزایش واردات دولتی" ممکن است صورت گیرد. از این نظر در اینجا به عنوان یک سیاست مستقل از بقیه عنوان شده است.

۲- استفاده از سیاست‌های پولی و مالی:

oooooooooooooooooooo

الف: سیاست‌های پولی، به صورت افزایش یا کاهش در حجم

(۱) - متوسط میزان استفاده از ظرفیت در کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور در سال ۱۳۶۱ برابر ۵۱/۲ درصد بوده است ر.ک. احمد خراصی، منابع تولیدی و اشتغال صنعتی، (تهران: وزارت برنامه و بودجه ۱۳۶۴)، ص ۶۷.

- متوسط ظرفیت صنعتی استفاده شده در کارخانجات و طرحهای تحت پوشش معاونت صنایع و معادن بنیاد مستضعفان در سال ۱۳۶۵ فقط ۵ درصد بوده است کـه نسبت به سال ۱۳۶۴ حدود ۱۶ درصد کاهش دارد.

ماخذ: واحد ما روابط اطلاعات بنیاد مستضعفان، آمار عملکرد ۱۰۰ کارخانه صنعتی بنیاد، بنیاد شماره ۱۰۳، اسفند ۱۳۶۶ ص ۱۵۰.

- متوسط ظرفیت صنعتی استفاده شده در کارخانجات تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ حدود ۴۵ درصد بوده است.

ماخذ: سازمان صنایع ملی ایران، گزارش تحلیلی عملکرد شرکتهای تحت پوشش در سال ۱۳۶۳ (تهران: سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۴)، ص ۹۵.

پول درگردش تجلی می کند و البته همراه اثرات مثبت، اثرات منفی هم دارد.

از جمله اثرات کاهاش حجم پول آنست که سطح مصرف تقلیل می یابد و درنتیجه در کاهاش قیمت ها موثر است (این اثر مثبت است) و اما اثر منفی این است که به علت کاهاش پول، رکود در فعالیت های اقتصادی و درنتیجه کاهاش تولید پیش می آید. کاهاش حجم پول یک اثر منفی دیگری هم معمولاً "داردوان" افزایش نرخ بسیار است که باعث هداشت سرمایه ها بشود و فعالیت های غیر تولیدی می شود.*

به رحال با توجه به این اثرات مثبت و منفی در موقعیت کنترل تورم برای اقتصاد جا معهده ضروری باشد دولت با پذیرفتن اثرات منفی در شرایطی، سیاست پولی انقباضی را اعمال و اقدام به کاهاش حجم پول درگردش می کند.

از جمله راههای معمول برای اجرای این سیاست یکی فروش اوراق قرضه دولتی به مردم است که معمولاً "در زمان جنگ" از این شیوه استفاده می شود یا اینکه بانک مرکزی می تواند بانک ها را در اعطای اعتبارات محدود کند. به رحال دولت با یاد با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، چگونگی اجرای سیاست مذکور را بررسی کند.

ب: سیاست مالی - از طریق تغییر در مخارج دولتی و یا مالیات ها صورت می گیرد. این سیاست هم اثرات مثبت و منفی را بطور

*: چنانچه کاهاش حجم پول، انتظارات تورمی را کاهاش بخشد و اعتبار و ارزش واحد پول را افزایش دهد می تواند بخلاف انتظار موجب کاهاش نرخ بهره گردد و بر عکس، مطالعات اقتصاد سنجی اخیر افزایش حجم پول را همراه با افزایش نرخ بهره نشان میدهد.

توا م دارد. کاهش مخارج دولتی با عث کاهش تقاضا و درنتیجه تقلیل درقیمت‌ها می‌شود، ولی از طرفی بیکاری و رکود به عمل کاهش فعالیت‌های اقتصادی حاصل می‌شود. در شرایط بحرانی همچون زمان جنگ که استفاده از سیاست کاهش مخارج دولتی مشکل است، سعی می‌شود این سیاست را از طریق مالیات‌ها اعمال کنند، افزایش مالیات‌ها موجب کاهش سطح تقاضای جامعه و درنتیجه کاهش قیمت‌ها می‌شود. در شرایط بحرانی و غیرتعادلی این سیاست روال عادی خود را ممکن است طی نکند، مثلاً "افزایش مالیات بلا فاصله عکس العمل افزایش قیمت‌ها را بدنبال دارد، مگراینکه بر قیمت‌ها کنترل قانونی باشد. البته اگر افزایش مالیات فقط بربخش حقوق بگیر اعمال شوداین عکس العمل پیش نمی‌آید. اما در شرایط سخت تورمی، هدف دولت کاستن از فشار تورم بخصوص براین قشر است، پس این کار را نمی‌کند. بنا براین بهتر است این سیاست بصورت افزایش مالیات بر فروش همراه با کنترل قیمت صورت گیرد.

۳- سیاست کاهش انتظارات تورمی :

oooooooooooooooooooo

در شرایط تورمی، مردم انتظار دارند را ینده قیمت‌ها بیشتر شوداین خود با عث خرد بیشتر کالاها می‌شودواز طرفی بورس بازی و معا ملات غیر تولیدی هم شدت می‌گیرد و نیز احتکار افزایش می‌باشد. در این شرایط دولت سعی می‌کند با اجرای سیاست‌ها یو در انتظارات تورمی مردم تعديل ایجاد کند. این سیاست در کوتاه مدت می‌تواند موثر باشد، اما در بلند مدت در صورت ادامه تورم چندان تاثیر ندارد. برای مثال، در اجرای این سیاست معکن است دولت وعده دهد که از ما آینده

قیمت کالای X به علت افزایش عرضه این کالا هش خواهد بود .
مردم به این امیدکه در آینده این کالا را با قیمت کمتر خریداری
می‌کنند تقاضای خود را کاهش می‌دهند .

۴- سیاست کنترل قیمت توسط دولت :

oooooooooooooooooooo

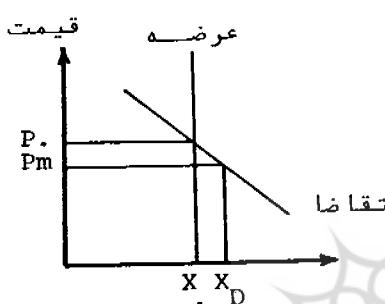
اجرای این سیاست مشکل ترودا را هزینه بیشتری برای
دولت است و معمولاً "در موضع الزامی بکار گرفته می‌شود که اجرای آن علاوه
بر اثرات مثبت در کاهش تورم گاه اثرات منفی همچون رکود را هم
در پی دارد .

معمولانه بدلیل تخلفات زیادی که در این شرایط صورت می‌گیرد
در کنار آن مجازات قانونی برای متخلفین در نظر گرفته می‌شود، علت
اصلی تخلفات وجود سوددهی با لایحه در نتیجه، تخلف کننده ریسیک
هزینه‌های جریمه و یا سایر مجازات‌های قانونی را می‌پذیرد . اگر
فرض شود کنترل قیمت بر کالای X بخواهد اعمال شود، دو حالت
را باید در نظر بگیریم : حالت اول - با کاهش قیمت و کنترل آن توسط
دولت، عرضه آن کمتر ننمی‌شود، یعنی عرضه کالا نسبت به تغییر قیمت
حساسیت ندارد و ثابت است . در این صورت همان مقدار ارز کالای X ولی
با قیمت کمتر در اختیار مردم قرار می‌گیرد و این باعث افزایش رفاه
جا معه می‌شود . (نمودار ۱)

حالت دوم - با کاهش قیمت و کنترل آن ، عرضه تقلیل می‌شود،
می‌باید، یعنی عرضه نسبت به تغییر قیمت حساس است . در این حالت
اگرچه قیمت کمتر از قبل است، اما چون مقدار تولید آن تقلیل یافته
است، افراد کمتری نسبت به قبل، این کالا می‌توانند مصرف

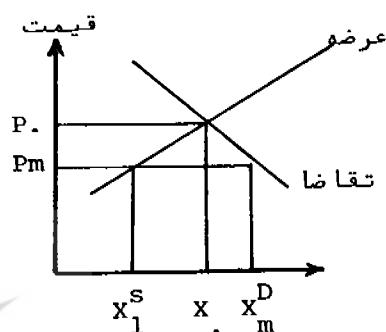
کنند. (نمودار ۲) البته اثربخشی این سیاست، افزایش قدرت خرید افراد کم درآمد است. اما در مقابل رکود را باعث می‌شود و نیز کاهش عرضه آن باعث تاریخی عده‌ای را فراهم می‌کند. بهره‌حال با یاد بررسی کردکه کدام یک را با یافتن دیگری کرد. ممکن است در شرایطی کا هش و کنترل قیمت با وجود نتایج منفی گفته شده لازم باشد.

(نمودار ۱)



عرضه و تقاضای کالای X

(نمودار ۲)



عرضه و تقاضای کالای X

۵- جیره بندی و کوپنی کردن کالاها :

این سیستم معمولاً "در دوران جنگ" اجرا می‌شود و اصولاً به این دلیل صورت می‌گیرد که در شرایط سیستم زادبه علت کمبود کالا قیمت‌ها شدیداً "با لامی رود" بطوری که افراد کم درآمد مقدرت خرید را ازدست میدهند. با اجرای این سیستم، مصرف این گونه افراد را کاهش می‌آورد و از طرفی مقدار مصرف افراد پردرآمد کاهش و در سطح تعیین شده محدود می‌شود و درنتیجه موجب کاهش رفاه آنان می‌شود. در واقع مقداری از مصرف افراد پردرآمد به قشر کم درآمد منتقل می‌شود. البته این درحالی است که سهمیه‌های کسان خرید و فروش کوپن آزاد نیست. حال اگر خرید و فروش کوپن آزاد باشد، در این صورت صاحبان درآمد

با لامیتوانند از طریق خریدکوپن مصرف خود را به همان سطح قبلی بر سارند. در این حالت هر شخص می‌تواند از این طریق کمتریاً بیشتر از سهمیه تعیین شده مصرف کند. در ضمن با آزادبودن خرید و فروش کوپن، جریان توزیع در آمدی نیز صورت می‌گیرد، زیرا اشخاص که بدلایلی مایل به استفاده از کوپن خود نیستند، آن را می‌فروشند.

گاهی اوقات سیستم دو قیمتی اجرا می‌شود، یعنی یک کالا دارای دو قیمت است. یکی کوپنی و دیگری آزاد. این حالت نسبت به سیستم کوپنی بنفع اشخاص پردرآمد است، زیرا می‌تواند کمبود مصرف خود را از بازار آزاد تهیه کننده، ولی اشخاص کم درآمد به همان مقدار جیره‌بندی شده اکتفا می‌کنند.

در این سیستم، دولت تولیدکنندگان را موظف می‌کند سهمیه از تولید خود را برای عرضه کوپنی اختصاص دهدند. واضح است که در این شرایط رضایت افزایشیتری تا مین‌می‌شود، اما قشر پردرآمد با تقاضای زیاد باعث افزایش قیمت در بازار آزاد می‌شود و این خود به تورم‌دان می‌زند، که بزیان سایرین است.

"از طرفی معمولاً" به علت سوددهی بالای بازار آزاد، تخلفات تولید - کنندگان بیشتر می‌شود و سعی می‌کنند بیشتر از سهمیه تعیین شده در بازار آزاد بفروشند و در نتیجه باعث کمبود کالا برای دارندگان کوپن می‌شوند.

نتیجه‌گیری:

ا) این بحث، بخصوص درا رتباط با تورم در ایران می‌توان به صورت زیر نتیجه‌گیری کرد:
۱- سیاست افزایش عرضه از طریق با لابردن تولیدات داخلی در

دراز مدت باید بعنوان سیاست اصلی مبارزه با تورم در نظر گرفته شود.

۲- با توجه به مقدمه ذکر شده، بر طرف کردن مشکلات ساختاری کسری در واقع میتوان آنها را علل ساختاری تورم هم بیان کرد در از مدت ضروری است. زیرا با وجود این مشکلات حل مسئله تورم بصورت بنیانی امکان ندارد، بخصوص اینکه مهمترین مواد دوچهت افزایش تولید داخلی هم بشمارمی آیند.

۳- با توجه به وضعیت جنگی و شرایط خاص اقتصادی کشور اجرای سیاست کنترل قیمت و نیز سیستم کوپنی کردن کالاهای اساسی بعنوان سیاست‌های اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شوند و با یدللاش کرد تا این سیاست‌های را به بهترین صورت اجرا کرده‌باشد اقل زیان و حداکثر استفاده حاصل شود.

۴- افزایش مالیات بر درآمدهای با لایحه خصوص در بخش خدمات یکی از منطقی ترین و در حال حاضر بهترین شیوه برای کاهش کسری بودجه و درنتیجه جلوگیری از افزایش حجم پول در گردش است و از طرفی این سیاست باعث کاهش جذابیت بخش خدمات و درنتیجه هدایت سرمایه‌ها بسوی بخش تولیدی می‌شود و همچنین در کاهش تقاضا موثر است.

منابع مورد استفاده:

- (۱): Branson, William H., Macro Economic Theory and Policy. n.p.
Harper and Row pub. n.D
- (۲): Crouch, Robert , Macro Economic .n.p:Brace Jananorich Inc.
n.D.
- (۳): قدیری اصلی، باقر سیاست‌های پولی، چاپ اول. تهران، انتشارات حمدیه
تیرماه ۱۳۶۴